

جنایت و مکافات

فئودور داستایوفسکی

ترجمہ: علیرضا کورش لی



نشر باہم

سرشناسه	: داستایوفسکی، فئودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ م. Dostoyevsky, Fyodor
عنوان و نام پدیدآور	: جنایت و مکافات/ نویسنده فئودور میخایلاویچ داستایوفسکی؛ مترجم علیرضا کورش‌لی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر با هم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۷۸۴ ص.
شابک	: 978-622-699935-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر از ترجمه‌ی انگلیسی تحت عنوان «Crime & Punishment» به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: داستان‌های روسی -- قرن ۱۹ م.
موضوع	: Russian fiction -- 19th century
شماره افزوده	: کورش‌لی، علیرضا، ۱۳۵۰ - مترجم
شناسه زوده	: Koroshli, Alireza
رده بندی	: ۳۳۶۰ PG
رده بندی دیویی	: ۸۹۱/۷۳۲
شماره کتابشناسی	: ۶۰۲۰۱۱



نشریاهم

ناشر	: با هم
عنوان	: جنایت و مکافات
نویسنده	: فئودور میخایلاویچ داستایوفسکی
مترجم	: علیرضا کورش‌لی
چاپ اول	: ۱۳۹۹
تعداد	: ۵۰۰
چاپ	: پیام
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۹۹-۳۵-۹

آدرس: شهرک اکباتان- فاز ۱ - بازارچه شماره ۹ - پلاک ۳ تلفن: ۶۶۹۶۴۱۶۴-۴۴۶۵۱۵۹۴
میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، کوچه وحید، پلاک ۱، واحد ۴، تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶-۶۶۹۶۰۶۰۳

www.samirpublication.com

۱۱۰۰۰۰ تومان

مقدمه مترجم

خلقت انسان از عناصر مادی وجود و سپس از حلول عاشقانه روح آغاز شد و در تحولی بی غیر، با دبه‌های غرور انگیز معرفت به بستر ظهور رسید. آن چه در این حضور عاشقانه معنا داشت، نام انسان بود که با حقیقت ملکوت آمیخته شد و صورت نوینی از آفرینش را در نشانه‌ها، آغازین این معجزه هستی به جاودانگی رساند؛ یعنی آن جا که دیگر بر معشوق تصویری نبود و حسی غیر از عشق نیز در نگاه خلقت آشکار نشد، این همان ظهور انسان در عالم هستی بود.

انسانیت امروزه در گردابی از خطاها و لغزش‌های مکرر اسیر گشته است. گاه صورت حقیقی انسان در مجموعه نریخته از عشق آشکار می‌شود. دستان گرم محبت به کمال این حس غریب بهت می‌بخشد، حرکت را باور دارد، اما در چارچوبی از قوانین ناموزون بشری، از اصل و نام انسانیت فاصله می‌گیرد. این همان خطاهای ادراکی و نشانه‌گریبی است که می‌تواند تا اگر مشکلات عدیده‌ای در جوامع بشری باشد و ذهن اندیشمندان را به سمت نجات انسانیت ترغیب نماید.

صور نا آشنایی که در ذهن بشریت امروز نقش می‌بندد، حاصل خطایی است که حس رسیدن به هدف را در جاده غریبی از معنا گم می‌کند. شاه خود، مخلوقی می‌بیند که به خاطر تحقق آرزوهایش، به قوه تفکر آراسته گشته و در همین راستا با نیروی اراده، سرنوشت خویش را رقم می‌زند، ولی غافل از این که نجات انسانیت، در گرو نگاهی نافذ و اندیشه‌ای کمال یافته است. گرچه بارها با خود خلوت نموده و به جاذبه‌های درون خویش جهت بخشیده، اما آن چه در این احساس غریب و نا آشنای حرکت وی نهفته، همان ابهام آغازینی است که می‌تواند وی را در تلاطم حوادث، به شک و تردید وا دارد.

نجات انسانیت؛ با اولین برخورد حقیقی انسان در حیات عاشقانه آشکار می‌گردد. پا در مسیری می‌گذارد که در اندیشه اش، بیان‌گر مقصد و مقصودی ناب

بوده است. گاه به نشانه‌های انسانیت که با حلول روح معشوق در وجودش به ظهور رسیده باز می‌گردد، اما دوباره در نگاه خویش دچار لغزش شده و احساسش را با اهداف غریب و ناموزون حقیقت همراه می‌سازد. می‌داند، اما در دانستن خود تردید دارد. همین ابهام و شک وی را در گردابی از خطرات گرفتار می‌نماید.

انسانیت، حقیقتی روشن و حسی عاشقانه نسبت به دنیا و حقایق هستی است. اگر امروز این حقیقت در مجموعه‌ای از نشانه‌های خطاگونه گم گشته، باید جهت نجات انسانیت بازگشتی غرورانگیز به حیاتی دوباره داشت؛ یعنی آن احساس نابی که انسان را در واژه لطیف عشق، با معشوق هم آوا می‌سازد تا در نگاه خود به هستی، حسی عاشقانه را جستجو کند و باورش را با صداقت و ایمانی محکم همراه نماید، این یعنی انسانیت حقیقی انسانیت در دنیای پر ماجرای امروز است که اگر در حجاب غلاهای مکرر پنهان گردد، دیگر امیدی به نجات انسانیت نخواهد بود.

گاه در صورتی که آفرینش در جلوی چشمان حقیقت بین ما منعکس می‌کند، از راه و روش بارفانز، اصله می‌گیریم. این یکی از جاذبه‌ها و نشانه‌های فریبی است که انسان امروز را درگیر خطای اندیشه و دل ساخته، تا آن‌جا که هم‌نوع خویش را نادیده می‌انگارد و هر چه در دور می‌گردد، شکوه بندگی را زیر سؤال می‌برد. صدای خویش را درگیر این آهنگ غریبانه می‌سازد. در چنین احساس نا‌آشنایی، آنچه می‌ماند تنها تنی خسته و روحی نا‌آرام است که برای نجات انسانیت، غوغایی شرر انگیز بر پا می‌کند.